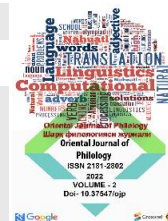


Oriental Journal of Philology**ORIENTAL JOURNAL OF PHILOLOGY**

journal homepage:

<http://www.supportscience.uz/index.php/ojp/about>**CURRENT GROUP WORDS IN IRAQI STYLE*****Nasrin Fagih****Associate Professor**Al-Zahra University***ABOUT ARTICLE****Key words:** language, thought, discourse, Persian, discourse, morphological.**Received:** 15.05.24**Accepted:** 17.05.24**Published:** 19.05.24**Abstract:** Language and thought have a remarkable interaction that one can refer to the other to investigate. Among the different dimensions of language, the types of words and among the words, verbs are the place of action, documents or expression of the relationships of the components in speech, existential, behavioral and mental forms. Persian verbs have many changes in their historical course. Such a point comes from the experiences of Iranians and their interactions with diverse cultures. In the Iraqi style, sixth to tenth century, the construction of the current groups reaches its peak. Both the historical background of Persian has a unique power and the progress in the transmission sciences with the experience of Sufi speech gives the language special layers of meaning and structure. Among the poets and writers, Saadi is one of those who benefit from all the capabilities of the current group. In Saadi's words, the Arabic verb serves the Persian intellectual system. The types of verbs with the morphological part of the verb give new meanings. With the help of verbs and sentence syntax, a layer of irony and metaphor is made. Music expands in verb types.**IROQCHA USLUBDAGI JORIY GURUH SO‘ZLARI*****Nasrin Fagih****Dotsent**Az-Zahra universiteti***MAQOLA HAQIDA****Kalit so‘zlar:** til, tafakkur, nutq, fors tili, nutq, morfologik.**Annotatsiya:** Til va tafakkur ajoyib o'zaro ta'sirga ega bo'lib, ulardan biri tadqiqot

uchun boshqasiga murojaat qilishi mumkin. Tilning turli o'lchovlari orasida so'z turlari va so'zlar orasida fe'llar nutq, ekzistensial, xulq-atvor va aqliy shakllardagi komponentlarning harakat, hujjatlar yoki munosabatlarning ifodalangan joyidir. Forscha fe'llarning tarixiy yo'nalishida juda ko'p o'zgarishlar mavjud. Bunday fikr eronliklarning tajribalari va ularning turli madaniyatlar bilan o'zaro munosabatlaridan kelib chiqadi. Iroq uslubida, VI-X asrlarda, hozirgi guruhlarining qurilishi o'zining eng yuqori cho'qqisiga etadi. Fors tilining tarixiy zamini ham o'ziga xos kuchga ega va so'fiy nutqi tajribasi bilan naql ilmlaridagi taraqqiyot tilga alohida ma'no va tuzilish qatlamlarini beradi. Shoir va yozuvchilar orasida Sa'diy hozirgi guruhning barcha imkoniyatlaridan bahramand bo'lganlardandir. Sa'diy ta'biri bilan aytganda, arab fe'li forscha aqliy tizimga xizmat qiladi. Fe'ning morfologik qismi bo'lgan fe'l turlari yangi ma'nolar beradi. Fe'l va gap sintaksisi yordamida kinoya va metafora qatlami yasaladi. Musiqa fe'l turlarida kengayadi.

ТЕКУЩИЕ ГРУППОВЫЕ СЛОВА В ИРАКСКОМ СТИЛЕ

Насрин Фагих

Доцент

Университет Аль-Захра

О СТАТЬЕ

Ключевые слова: язык, мысль, дискурс, персидский, морфологический.

Аннотация: Язык и мышление находятся в замечательном взаимодействии, и каждый может обратиться к другому для исследования. Среди различных измерений языка, типов слов и среди слов глаголы являются местом действия, документами или выражением отношений компонентов в речевых, экзистенциальных, поведенческих и психических формах. Персидские глаголы претерпели множество изменений в своем историческом развитии. Такая точка зрения исходит из опыта иранцев и их взаимодействия с различными культурами. В иракском стиле шестого-десятого веков строительство нынешних групп достигает своего апогея. Как исторический фон персидского языка обладает уникальной силой, так и прогресс в науках о передаче с опытом суфийской речи придают языку

особые слои значения и структуры. Среди поэтов и писателей Саади – один из тех, кто извлекает выгоду из всех возможностей нынешней группы. По словам Саади, арабский глагол служит персидской интеллектуальной системе. Виды глаголов с морфологической частью глагола придают новые значения. С помощью глаголов и синтаксиса предложений создается слой иронии и метафоры. Музыка расширяется в типах глаголов.

کلیدواژه: زبان فارسی، گروه فعلی، سبک عراقی، سعدی، لایه‌های معنایی، تاریخ زبان، عبارت فعلی

انتخاب واژه‌ها در ذهن انسان به مقوله‌های متنوعی از طبیعت، فرهنگ، ایدئولوژی، تجربه و فلسفه ذهن ارتباط پیدا می‌کند. از میان واژه‌ها گروه‌های فعلی نمود بسیاری از کنش‌ها، نسبت‌ها و اسنادها خواهد بود که طرز ساخت و نوع کاربری آن‌ها به شکلی ویژه می‌تواند از اندیشه و رفتار انسان سخن بگوید. در ساختار فکری یک قوم با توجه به ویژگی‌های زبانی می‌توان سیر تحولات واژه‌ها را دنبال کرد. این مطالعه در زمانی نه تنها از تاریخ زبان آن قوم سخن می‌گوید بلکه تاریخ اندیشه قوم را به ما نشان می‌دهد.

سیر تکوینی اندیشه ایرانیان با توجه به آمیزش این کشور با بسیاری از اندیشه‌های غیر ایرانی تحولات زیادی را در سیر زبان فارسی ایجاد می‌کند. باید یادآور شد که موقعیت جغرافیایی ایران برای ارتباط با انواع اندیشه‌ها و زبان‌ها قابل مطالعه است. بنابراین، تغییرات فکری – اجتماعی و آشنایی با اندیشه‌های شرقی – غربی تأثیرات مهمی را بر زبان و ادبیات فارسی ایجاد کرده است. بخشی از این مطالعه بر دوش سبک‌شناسی است اما مسلماً با یک علم نمی‌توان گستره تحولات و تغییرات را توضیح داد.

گروه‌های فعلی در سیر زبان فارسی، از فارسی باستان تا فارسی میانه و دری، تحولات معناداری ایجاد کرده است. این تحولات هم در ساخت فعل و هم در ویژگی‌های آوایی به خوبی خود را نشان می‌دهند. از آنجایی که سلوکیان با زبان یونانی فاصله‌ای میان حکومت ایرانی ایجاد می‌کنند، تفاوت آوایی جالب توجهی میان واج‌ها مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، بارزترین تحول آوایی از باستان تا میانه در واژه‌های گروه‌های فعلی، حذف مصوت پایانی است. افعال مختوم به *ita eta* و *it ot* می‌رسد از دیگر تحولات، یکی شدن بن مضارع با ریشه فعل است و یا حذف حالت تثنیه و اختصار بر دو نوع فعل مفرد و جمع است.

نکته جالب توجه دیگر در تغییر وجوه فعل و ایجاد انواع وجهی دیگر است که مثلاً وجه تأکید از بین رفته و جای خود را به وجه امری داده است، باب «ناگذر» به کلی متروک شده است و نیز شناسه‌های گوناگون فارسی باستان که بر حسب وجه و باب تغییر می‌کرد، از روی قیاس به صورت یکسان درآمده و ماده فعل که در زمان‌های گذشته و اکنون به دستگاهی واحد تعلق داشت، از دوره میانه به بعد صورت جداگانه یافته است. از مهیج‌ترین بحثی که در تحول فعل میان فارسی باستان و میانه رخ داده است، موضوع ساخت فعل ماضی و مضارع است. جالب اینجاست که از میان ماده‌های متعدد و فراوان افعال فارسی باستان فقط ساخت ماده مضارع در همان مفهوم به دوره‌های میانی و جدید رسیده است. به عبارت دیگر، تنها، ساختمان ماده مضارع فارسی باستان با تحولات آوایی اندک در دستگاه زبان فارسی تا دوره جدید باقی مانده است و ساختمان بقیه ماده‌های فعلی باستانی ازین زبان خارج است.

در فارسی باستان برای بیان عملی که در گذشته انجام گرفته، علاوه بر کاربرد انواع ماضی‌ها از جمله ماضی تام و نامعین از روش دیگری نیز استفاده می‌شد که عبارت بود از به کار بردن صفت مفعولی همراه با نام یا ضمیری که در حالت

اضافی است؛ مثلاً به جای اینکه بگوید: «این را زهره ساخت»، می‌گوید: «این ساخته زهره است». یا به جای «این را من نوشتم»، می‌گوید: «این نوشته من است». از این قیاس چنین می‌فهمیم که تأکید بر نسبت‌هایی که در زمان مضارع وجود دارد، از اطلاق عمل به زمان‌های گذشته مهم‌تر بود. ضمناً، نام یا ضمیر تنها یک بار به صورت اضافی بعد از صفت مفعولی ذکر می‌شود در حالی که در جملات جدید نام یا ضمیر همراه با شناسه فعل تأکیدی را روی بیان شخص ایجاد می‌کند.

این تحولات در فارسی میانه مقدمه‌ای برای تغییرات فارسی دری دارد. مقایسه افعال و گروه‌های فعلی ازین حیث به‌شدت قابل توجه است. فارسی میانه پس از دوره‌های طولانی از حکومت یونانی‌زبان‌ها ایجاد می‌شود. در این دوره، زبان‌های آرامی و بابلی بیش از پیش روی افعال ما تأثیر گذاشتند، به شکلی که هم در پهلوی اشکانی و هم پهلوی ساسانی با حدود 1000 فعل مواجهیم که به شکل هزوارش به کار می‌روند. یعنی عملاً فعل‌های آرامی به خط پهلوی نوشته می‌شوند ولی معنا و تلفظ آن به زبان آرامی ارتباط دارد. این در حالیست که کتاب‌های متنوعی در علوم مختلف به زبان فارسی میانه نوشته می‌شود.

در افعال فارسی میانه شکل ماضی با ساخت‌های متفاوتی خود را نشان می‌دهد و اختلافات واجی میان دو ماده ماضی و مضارع خود را نشان می‌دهند. هم ریشه‌ها مختلف شده‌اند و هم تحولات آوایی رخ داده است و هم اینکه ساخت‌های ده‌گانه مضارع به خلاف ماضی پایدارتر و قدرتمندتر به حیات خود ادامه می‌دهد.

اما پس از ورود اعراب غیر از همه انواع تحولات زبانی در نگرش و تفکر ایرانی تغییرات قابل توجهی به وجود می‌آید. مسئله تغییر خط و گرفتن الفبای نوشتاری عربی طبعاً در این قضیه بی‌تأثیر نیست. صدا و آوای زبان عربی به صورت واضح بر انواع واژه‌های فارسی تأثیر می‌گذارد اما آنچه در این مقاله برای ما اهمیت دارد، تحول افعال بر اساس تفکر و تجربه است. در فارسی جدید، ماده‌های ماضی و مضارع همان ماده‌های ماضی و مضارع دوره‌های میانه هستند. به عبارت دیگر، پس از تغییر ساخت ماضی در دوره میانه، فارسی جدید مسیر فارسی میانه را ادامه می‌دهد. همانطوری که فارسی میانه از اجزای صرفی ماده مضارع ساز باستانی استفاده کرد و با تحولاتی آن را ادامه داد، این مسیر تا فارسی جدید همچنان پایدار ماند. ویژگی‌های افعال در سال‌ها و قرن‌های پس از ورود اعراب مدام متناسب با انواع تجارب خود به خصوصیت‌هایی هویت‌ساز تبدیل شد، به شکلی که برخی ترجیح دادند به صورتی واضح میزان استفاده از زبان عربی را گسترده کنند و با تفکری موافق زبان عربی، فارسی بگویند یا بنویسند. کسانی نیز بر عربی‌زدایی اصرار داشتند و همه همت خود را به کار بستند تا واژه‌های فارسی و مهم‌تر از آن، شکل نحوی، تفکر نحوی زبان فارسی را حفظ کنند.

در نوشته‌های زبان فارسی دری، ماضی انواع گسترده‌ای پیدا می‌کند و شکل ساختاری آن دلالت بر بیان تجربیات به شیوه‌های گوناگون و در شکل‌های متنوع است. دست‌کم پنج نوع زمان ماضی ساده، ماضی بعید، ماضی نقلی، ماضی استمراری و ماضی التزامی به صورت واضح و فراوان قابل رؤیت می‌شود. شکل‌های لازم و متعدی (ناگذر و گذرا) و مجهول در هر دو زمان مضارع و ماضی استفاده می‌شود. فعل‌های کمکی و پیشوندها و مشتق‌های مختلف، امکانات افعال را گسترده می‌کند. ساختن انواع مشتق‌های اسمی و صفتی و شکل‌های مثبت و منفی می‌توانند به گوینده برای ابلاغ معنا کمک کنند.

تحولات بزرگی چون پیشرفت در بحث‌های علوم نقلی، غرق شدن در مباحث عرفان و تصوف و حملات و جنگ‌های مکرر دینی و غیردینی باعث می‌شود باز که در شیوه ساخت فعل‌ها و معانی کاربردی افعال پختگی بیشتری حاصل شود.

زبان‌آوران و شاعران فارسی‌زبان تلاش می‌کنند با اهتمام به قدرت زبانی زبان فارسی در دوره‌های مختلف این زبان را به ویژه در ساختار گروه فعلی به پیش ببرند. اگر فردوسی را در قرن چهارم و پنجم یکی از احیاگران قدرت زبان فارسی بدانیم، می‌توانیم در قرن هفتم، سعدی را به عنوان نماینده‌ای از سبک عراقی سلطانی بنامیم که مملکت زبان فارسی را به شکلی معجزه‌آسا بر فراز قله‌های قدرت نشاناند. او ضمن تسلط بر زبان عربی و زبان فارسی از ویژگی‌های جادویی واژگان و ساخت هنری متن اطلاع دارد. به همین دلیل، تلاش می‌کند که با ابزار هنر قدرت بالقوه زبان فارسی را به‌ویژه در گروه‌های

فعلی و رابطه آن‌ها با حروف اضافه بالفعل کند. مهم‌ترین کاری که در سبک عراقی برای پایداری زبان فارسی در گروه‌های فعلی رخ می‌دهد، ساخت عبارت‌های مختلف فعلی با انسجام جذابی در حروف، پیشوندها و افعال کمکی است. این انسجام، موسیقی ایجاد می‌کند و ضمن بیان منظور، ساخت گروه فعلی را در ذهن مخاطب فرومی‌نشانند. اگر بخواهیم ویژگی‌های گروه‌های فعلی در سبک عراقی برشمرده شود، خوب است که از افعال نوشته‌های سعدی به عنوان نماینده این سبک سخن بگوییم. برای نمونه، به اشعار زیر دقت کنید:

غزل 1:

از هر چه می‌رود سخن دوست خوشتر است
پیغام آشنا نفس روح‌پرور است
هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟
من در میان جمع و دلم جای دیگر است
شاهد که در میان نبود شمع گو بمیر
چون هست اگر چراغ نباشد منور است
ابنای روزگار به صحرا روند و باغ
صحرا و باغ زنده‌دلان کوی دلبر است
جان می‌روم که در قدم اندازمش ز شوق
درمانده‌ام هنوز که نزلی محقر است
کاش آن به خشم رفته‌ما آشتی‌کنان
باز آمدی که دیده‌مشتا قبر در است
جانا دلم چو عود بر آتش بسوختی
وین دم که می‌زنم ز غمت دود مجمر است
شب‌های بی توام شب گور است در خیال
ور بی تو بامداد کنم روز محشر است
گیسوت عنبرینه‌گر دنتمام بود
معشوق خو بروی چه محتاج زیور است؟
سعدی خیال بیهده بستی امید وصل
هجرت بکشت و وصل هنوزت مصور است
زنهار از این امید درازت که در دل است
هیئات از این خیال محالت که در سر است

غزل 2:

بی‌تو حرام است به خلوت نشست
حیف بود در به چنین روی بست
دامن دولت چو به دست اوقات
گر بهلی باز نیاید به دست
این چه نظر بود که خونم بریخت؟
وین چه نمک بود که ریشم بخت؟

هر که بیفتاد به تیرت نخاست
 وان که درآمد به کمندت نجست
 ما به تو یکباره مقید شدیم
 مرغ به دام آمد و ماهی به شست
 صبر قفا خورد و به راهی گریخت
 عقل بلا دید و به کنجی نشست
 بار مذلت بتوانم کشید
 عهد محبت نتوانم شکست
 وین رمقی نیز که هست از وجود
 پیش وجودت نتوان گفت هست
 هرگز اگر راه به معنی برد
 سجده‌صورتن کند بت پرست
 مستی خمرش نکند آرزو
 هر که چو سعدی شود از عشق مست

سبک عراقی:

برای شناخت سبک یک دوره می‌توان از سه رویکرد زبان، فکر و نوع نگرش ادبی به متن دقت کنیم. در دوره‌ای که به آن پرداخته‌ایم به لحاظ زبانی و ادبی از پخته‌ترین دوره‌های سبک که دیدگاه ادبی و زبانی ایرانیان را نشان می‌دهد. در این دوران دو شاخصه به شدت به بلوغ سبک کمک کرده است؛ یکی مسئله شکوفایی عرفانی و صوفیانه است و دیگری تنوع و فراوانی گونه‌های مختلف متن از دیدگاه موسیقی، موضوع، قالب، زبان و ویژگی‌های ادبی. گروه‌های فعلی تحت تأثیر سبک عراقی ویژگی‌های خاصی پیدا می‌کنند. به لحاظ زبانی به تناسب و فراخور متن می‌توانند ساختی ساده و کوتاه داشته باشند یا در عبارتی کنایی و ترکیبی گروه بزرگی از واژگان را تشکیل دهند. دیگر ویژگی زبانی گروه‌های فعلی استفاده از پیشوندها و پسوندها در ساختاری متنوع از عبارت فعلی از آنجایی که وجه مصدری در دوره‌های قبل به شدت کارآمد است، گروه‌های فعلی سبک عراقی اغلب به مدد فعل‌های کمکی از وجه مصدری استفاده می‌کنند. فعل‌های سبک عراقی ویژگی‌های زبان عربی در خود حل می‌کنند و ضمن استفاده از ترکیب‌های عربی آن‌ها را به خدمت زبان فارسی درمی‌آورند.

فاصله‌های متنوع موسیقی‌ساز در میان اجزای گروه فعلی تأمل خواننده را برای درک بهتر جمله برمی‌انگیزد. با این اختصار نسبت به ویژگی‌های زبانی می‌توانیم به تأملی در مختصات ادبی گروه‌های فعلی در این سبک بپردازیم. مهم‌ترین چیزی که در مختصات گروه‌های فعلی می‌توان توضیح داد، گروه‌هایی است که در سطحی گسترده به کنایه، استعاره، مجاز و تشبیه روی می‌آورند. تصویرگرایی در گروه‌های فعلی به‌ویژه فعل‌های کنشی از جملات نوعی صحنه‌نمایش درست می‌کند که باید ازین نمایش ذهن خواننده متوجه امور ذهنی شود در نتیجه دلایه بودن یکی از ابتدایی‌ترین صنایعی است که در این دسته واژگان مورد عنایت واقع می‌شود. اما اگر از معنای چندلایه گروه‌های فعلی بگذریم، ویژگی‌های بدیعی افعال در هماهنگی با سایر اجزای متن نقطه قابل تأملی است. ترکیب‌های نحوی یا با فعل یا بدون فعل در متون این دوره می‌توانند سجع یا جناس ایجاد کنند. موسیقی بیرونی این ترکیب‌ها گاهی همه معنای متن را در سیطره خود درمی‌آورد.

و اما در سطح فکری مسئله‌ای که گروه‌های فعلی سبک عراقی دارند تنوع است. انواع ساخت‌های زمانی در ماضی و مضارع نشان می‌دهد که شاعر یا نویسنده هم می‌خواهد از پیچیدگی‌های زمان‌های گذشته سخن بگوید و هم آنچه در ذهن و تجربه امروز او مطرح است باید به سادگی بر زبان رانده شود. گذشته از زمان مسئله‌ای که نویسنده یا شاعر این دوره را

توانا می‌کند، انواع وجه فعل و انواع نظام گذرایی فعل است. وجه فعل در زبان فارسی گذشته از چند نوع اخباری، التزامی، امری و تمنایی به حدی می‌رسد که میان انواع هر یک از این‌ها نیز می‌توان به میزان قطعیت یا احتمال طبقه‌بندی کرد و برای اخباری و یا مثلاً امری به تنهایی چندین دسته قائل شد. آن‌ها که از قطعیت بسیار برخوردارند و یا آن‌ها که نوع احتمالشان متفاوت است از نظام گذرایی نیز در این دوره احتیاج فعل به مفعول و تعداد و مفعول‌ها تا احتیاج فعل به مسند و متمم در نظر گرفته می‌شود و با همین ساخت به افعال لازم و متعدی و مجهول توجه می‌شود. یادآور می‌شویم که در این دوره علوم نقلی در انواع مدارس درباری و غیردرباری به اوج رسیده و دانشمندان سخنان بسیاری را در ظرف زبان فارسی به دیگران می‌فهمانند، پس گروه‌های فعلی در ابلاغ کنش‌ها، نسبت‌ها، گفتار، اعلان، امر، تضمن و بیان ادراک توانا می‌شود. به ابیاتی که از سعدی نقل شد توجه کنید. چند بار بیت‌ها را برای خود زمزمه کنید و سعی کنید فعل‌های آن‌ها را عوض کنید. آرایه‌ها و ویژگی‌های دستوری و بلاغی را معلوم کنید. می‌بینید که در تحلیل فعل‌ها باید ویژگی‌های زیادی را توضیح دهید. در اینجا به چند ویژگی کلی در آثار سعدی می‌پردازیم.

فعل در آثار سعدی:

فعل عربی و فعل فارسی

بدیهی است که در سبک عراقی دانشمندان با توجه به آشنایی با علوم نقلی زبان عربی می‌دانند و حتی استفاده می‌کنند. نوع تعامل هر یک، با واژه‌های عربی سبک شخصی آن‌ها را می‌سازد. سعدی در این میان بر دیگران تأثیر دارد. او مدت زمان زیادی در مدرسه نظامیه بغداد و در گشت و گذار میان کشورهای عربی سر کرده است. بنابراین مسلماً با زبان عربی آشنایی خوبی دارد. با این حال، به هیچ روی نمی‌توانیم او را نویسنده یا شاعری عرب‌زبان یا متأثر از زبان عربی بدانیم. مواظبت سعدی در فارسی‌نویسی به حدی است که او حتی زمانی که عربی می‌نویسد آن را متأثر از زبان فارسی می‌کند و در تصرف نظام ذهنی فارسی عربی را به کار می‌گیرد. موحد به نقل از احسان عباس می‌نویسد: «هنگام خواندن بعضی از عبارات سعدی احساس می‌کنیم که گویی وی از زبانی به زبانی دیگر ترجمه می‌کرده است.» (موحد، 1392: 166)

در ادامه احسان عباس از غیرمعمول بودن صیغه‌های قیاسی افعال و مصادر سعدی سخن می‌گوید و حتی ابیاتی را از شعرهای عربی سعدی نقل می‌کند که معتقد است در ادبیات عرب دور از ذهن است. بارها سعدی از فعل‌های عربی به عنوان اسم استفاده کرده است. یا در معنای مورد نظر خود آن‌ها را لابلای واژه‌های فارسی گذاشته است. مثل بیت زیر:

بیدل گمان مبر که نصیحت کند قبول / من گوش استماع ندارم لِمَنْ تَقُول

که کاربرد «استماع» و «لمن» تقول در میان جمله فارسی زیرمجموعه نظام ذهنی فارسی‌زبانان شده است. مثال دیگر: مرا رسد که برآرم هزار ناله چو بلبل / که احتمال ندارم ز دوستان ورقی گل

لازم و متعدی در کلام سعدی

به ابیات زیر دقت کنید:

آن همه دل‌داری و پیمان و عهد / نیک نکردی که نکردی وفا

لیکن اگر دور وصالی بود / صلح فراموش کند ماجرا

«فراموش کند» در این بیت عملاً دو مفعول می‌پذیرد و به نوعی با ترکیب «باعث می‌شود» یا «موجب می‌شود» در درون خود همراه است. همانگونه که در انگلیسی افعالی هستند که قبل از واژه فعلی از واژه make بهره می‌برند تا وادار کردن و موجب شدن را ابلاغ کنند. در واقع سعدی در این بیت می‌گوید که صلح باعث می‌شود که انسان ماجرا را فراموش کند. در حالیکه همین فعل در دو بیت پایین‌تر چنین به کار گرفته شده است:

دوست نباشد به حقیقت که او / دوست فراموش کند در بلا

این فعل در جمله فوق یک مفعول دارد. این شیوه تنوع در معنا و کارکرد می‌تواند دست گویندگان را باز بگذارد که بنا بر ضرورت چنان که می‌خواهند از فعل بهره برند.

افعال کنایی

هر که دمی با تو بود یا قدمی رفت / از تو نباشد به هیچ روی شکبیا

منظور از «قدمی رفتن با تو» همراهی و تعامل است. در عبارات‌های استعاری نیز به تناسب جمله، فعل در پیوندی شباهتی لایه دوم معنا را به ذهن مخاطب ابلاغ می‌کند. مثلاً اگر می‌گوید: «آن کافر اعدا می‌کشد وین سنگدل احباب را» منظور آن است که «این سنگدل» دوستان خود را به حدی عاشق خود می‌کند که گویی جان آن‌ها را می‌ستاند یا وقتی می‌گوید «سعدی چو جورش می‌بری نزدیک او دیگر مرو / ای بی‌بصر من می‌روم؟ او می‌کشد قلاب را» ترکیب فعلی «قلاب کشیدن» به تمام بیت و معنای ذهن مخاطب شکلی استعاری و تمثیلی می‌بخشد. گویی مانند یک ماهی در دام یا یک اسیر در قلاب کمند گرفتار شده باشد.

پیشوندها و علامت نفی و نهی در گروه‌های فعلی

در سبک عراقی به‌ویژه کلام سعدی اغلب فعل‌ها با پیشوند می‌آیند و همه پیشوندها چیزی به معنای فعل اضافه می‌کنند. مثلاً اگر می‌گوید: «گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی / دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را» مسلماً انتخاب «مخیر بکنندم» اگر به شکل «مخیر بکنندم» معنای تأکیدی خود را از دست می‌داد. یا در بیت «من نیز چشم از خواب خوش بر می‌نکردم پیش ازین / روز فراق دوستان شب خوش بگفتم خواب را» شکل «چشم بر می‌نکردم» اگر در هر قسمتی تغییر می‌کرد، لایه معنایی فعل نیز دچار تحول می‌شد. «چشم بر می‌نکردم» هم معنی گذشته دارد و هم معنی استمرار دارد و هم بر روی «گشودن چشم» با پیشوند «بر» تأکید شده است و هم با تغییر جای علامت نفی معنای استمرار بر معنای نفی غلبه داده شده است. بدین معنا که قیل از عاشقی چشم از خواب خوش باز نمی‌گشودم. این میزان دقت در ساختار فعلی می‌تواند به زبان فارسی قدرت مضاعف بخشد.

جمع‌بندی

ویژگی‌های متعددی را می‌توان برای گروه فعلی در سبک عراقی یاد کرد. در این پژوهش به چند ویژگی اکتفا شد و گرنه در حوزه‌های مختلف ساخت افعال بحث‌هایی چون وجه فعل، انواع فعل‌های کمکی و انواع نشانگرها وجود دارد. چیزی که ازین بحث حاصل می‌شود، به صورت خلاصه، آن است که برای درک بهتر زبان فارسی می‌توان به نیروی بالقوه در شیوه‌های صرفی و نحوی مراجعه کرد و از آن نیروهای بالقوه مطابق احتیاج روز استفاده کرد. گروه‌های فعلی در سبک عراقی قابلیت تنوع ساخت. ایجاد لایه‌های دلالتی متعدد را به ما می‌آموزند. بنابراین زبان فارسی با مطالعه افعال گذشته خود، اسنادها و کنش‌های فعل‌های زبانش را متنوع و کارآمد خواهد کرد.

منابع:

- ابوالقاسمی، محسن (1392). دستور تاریخی زبان فارسی، نشر سمت، تهران.
 جهانبخش، فرهنگ (1383). تاریخ زبان فارسی، نشر جامی، تهران.
 صادقی، علی‌اشرف (1380). مسائل تاریخی زبان فارسی، نشر سخن، تهران.
 باقری، مه‌ری (1388). تاریخ زبان فارسی، نشر قطره، تهران.
 باقری، مه‌ری (1380). واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی، نشر قطره، تهران.
 سعدی، مصلح‌الدین (1385). کلیات سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، نشر هرمس، تهران.
 شمیسا، سیروس (1384). کلیات سبک‌شناسی، نشر میترا، تهران.
 شمیسا، سیروس (1383). سبک‌شناسی شعر، نشر میترا، تهران.

- شمیسا، سیروس (1384). سبک‌شناسی نثر، نشر میترا، تهران.
- شفیعی، محمود (1377). شاهنامه و دستور، نشر دانشگاه تهران، تهران.
- منصوری، یدالله (1384). بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی، نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- موحد، ضیاء (1392). سعدی، نشر نیلوفر، تهران.